

(1) عالیحضرت فلك رفعت سیهر منزلت بهرام صولت غضنفر مهابت نوشیروان عدالت رسم شجاعت سلطنت و جلالت پناه شوکت و عظمت دستکاه (2) حشمت و ابهت انتباه فرازنده سریر دولت و کاهرانی برازنده تخت نصفت و جهانبانی اسوه سلاطین عظیم الشان مسیحیّه قدوه خواقین بلند مکان عیسویّه (3) پادشاه جمجاه ستاره سپاه¹ جلالاً للسلطنة و العداله و الحشمه و النصفه و الشجاعه و المحبه و الموده و العزّ و الامتنان فرمانفرمای ولایت و ندیک^{2r} جعل¹ الله تعالی^{3r} عواقبه مقرونا بالخیر و الرضوان را بعد از اظهار حراسم محبت و دوستی قدیمی و ابلاغ لوازم صداقت و یکجہتی موروثی (4) مکشوف رای قمرضیا میگرداند که رقیمة والای محبت طراز و رسیلہ مودت پیرای لازم الاعزاز که درینولا مصحوب زبده الاشباہ¹ سو بورر (?) بیک دستان (?)^{4r} ارسال داشته بودند (5) در احسن ازمنه ورود مسعود نموده باعث ازدیاد مواد محبت و وداد گردید انشاء¹ الله تعالی^{5r} العزیز الرحمن قواعد دوستی و اتحادی که همواره فیما بین سلاطین جنت مکین علیین آشیان (6) فردوس مکان این دودمان منبع الشان و آباء عظام عدالت آیین آن والا خاندان مشید و مستحکم بوده و میانه نواب همایون ماوآن پادشاه سکندر بارکاه خورشید کلاه (7) نهایت اشتداد و استحکام دارد درین زمان فرخنده اوان در تشیید مبانی دوستی و یکجہتی زیاده بر ازمنه سالفه سعی بلیغ بتقدیم خواهد رسید وظیفه محبت آنست که همیشه این قاعده مرضیه را (8) مرعی داشته بیشتر از پیشتر طریقہ آمد شد مسلوک دارند و بارسال محبت نامهای نامی مجدد

مواد الفت و یکانکی باشند و هرگونه مهمی که درینصوب بوده باشد (9) از روی یکانکی بی‌فایله بیکانکی اعلام نمایند که توجیهات دوستانه بمحصل آن موصول گردد باقی حالات بتقریر المچی مشار الیه تفویض رفت که بموقف عرض خواهد رسانید

(10) ^۱مجاری حالات بر وفق رضای حضرت نو الجلال مقرون بخیر باد ^{۶۲}